

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ فیبروری ۲۰۲۲

"باجه ها"، قدامه هجوم لشکر جواسیس!

(۴)

پنجشنبه-۲۸ دلو ۱۴۰۰ - کابل: به ادامه گذشته:

در بحث روز گذشته ضمن آن که در مورد هردو احتمال آمدن "سلام رحیمی" نکاتی را بیان داشتیم، در اخیر متذکر شدیم که نظر و موقف پاکستان در هر دو مورد نمی تواند نادیده گرفته شود.

با در نظر داشت این که در ۴ دهه اخیر دولت پاکستان ضمن آن که سوءاستفاده های بیشمار و هنگفتی از فروزان نگه داشتن تنور جنگ در افغانستان برده است، جای انکار ندارد که به موازات خطراتی را که تحمل نموده، نوکران و غلامانی را نیز جهت اثر گذاری در سیاست های آینده افغانستان پرورش داده است. این غلامان و نوکران کلاً به دو بخش تقسیم می گردند، یکی جهادی ها و دیگری طالب.

اینک که شرق یعنی چین، روسیه و ایران، سه کشوری که هریک به راسته خود اهمیت بسزائی در روابط منطقه ئی و بین المللی با پاکستان دارند مصمم اند، تا حاکمیت بعدی را با محوریت طالب و شرکت جهادی ها بسازند و غرب در کل زیر نظر سردمدار شان امپریالیسم امریکا تصمیم دارند تا حاکمیت بعدی با محوریت طالب توسط "جواسیس تکنوکرات" و روپوش های احمق خرکن خودشان تکمیل نمایند، شاید بتوان گفت پاکستان برای نخستین بار در ۴ دهه اخیر در دوراهی انتخاب دشواری قرار گرفته است، از یک طرف نمی خواهد غرب را از دست بدهد و از جانب دیگر به هیچ وجه تصمیم ندارد تا بر روی چین، روسیه و ایران دست بلند نماید. به همین علت هم است که در این اواخر شاهد برخورد های متفاوت و حتا متناقض از تائید مطلق طالب گرفته تا نفی کامل آن در مواضع حکمداران پاکستان می باشیم.

دولت پاکستان نمی خواهد و نمی تواند حضور "جواسیس تکنوکرات" را حتا در حاشیه حاکمیت طالب تحمل نماید، چه از یک جانب آنها را کلاً در مدار مقناطیسی نهاد های استخباراتی غرب می بیند و در اثر آن نمی تواند آنچنان که می خواهد بر آنها اعمال نفوذ نماید و از جانب دیگر وابستگی مطلق آنها به نهاد های استخباراتی غرب، باعث می گردد تا آنها در آینده ها افغانستان را به تخته پرش سیاست های غرب مبدل ساخته، حتا منافع ستراتیژیک پاکستان را نیز تهدید نمایند. این هراس پاکستان زمانی عینیت می یابد که می بینیم به اشاره غرب، قطر و ترکیه یعنی دوازوی توانمند امپریالیسم امریکا و ناتو، کنترل امنیتی فضای افغانستان و میدانهای هوایی آن را به دوش می گیرند. پاکستان که خود

استاد در انتقال تروریست های بین المللی از طریق فضاء به خاک کشور خودش است می داند که چنین شرایطی، همزمان با موجودیت "جواسیس تکنوکرات" حتا در حاشیه حاکمیت طالب، امکان این را مساعد می سازد تا امپریالیسم امریکا مطابق خواست خودش به هزاران تروریست را آزادانه داخل افغانستان نموده، چون سگهای پاچه گیر به جان پاکستان و دوستان پاکستان بیندازد.

تا جایی که دیده می شود مشکل پاکستان تنها با بدیل غربی و آمدن جوناسیس تکنوکرات در کل و باجه ها به صورت خاص نیست، بلکه آوردن جهادی ها در حاشیه قدرت طالب نیز بدون مشکل باقی نمی ماند. چه نه تنها خواستهای جهادی ها با طرح های بلندبالای شان و در رأس همه نقطه پایان گذاشتن بر حیات یک حاکمیت متمرکز و ایجاد یک اداره غیر متمرکز چه به شکل فدرال و چه به شکل صدارتی بر مبنای مقاومت طالب با آن تحقق پذیر به نظر نمی رسد و مردم افغانستان نیز به هیچ صورت نمی خواهند بار دیگر جهادی ها را حتا در حاشیه قدرت با طالب شریک ببینند، بلکه امپریالیسم امریکا و شرکاء نیز به علت ظرفیت های قیاس ناپذیر معامله گری در جهادی ها و به مانند ماش لول خوردن شان بین شرق و غرب، در منطقه مهمی مانند افغانستان آنها را نامطمئن ترین افراد تشخیص می دهد و همزمان با آن "اینها" در بدنامی نزد صد ها میلیون باشند جهان غرب بی رقیب شهره آفاق اند، در نتیجه موافق آمدن و شرکت شان در حاکمیت نیست.

اینجاست که مسافرت و دیدار رئیس "آی. اس. آی." با رهبران جهادی فراری در ترکیه می تواند معنای دو و حتا چندگانه به خود بگیرد. یعنی در عین حالی که رئیس "آی. اس. آی." می تواند به منظور استمالت و دلجوئی از این رهبران به آنجا رفته باشد و پیامهایی مبنی بر موافقت طالب در گنجاندن آنها در حواشی قدرت را به شرط صرف نظر کردن از خواستهای حد اکثری شان با خود بدانجا برده باشد، می تواند کاملاً عکس آن، هوشداری باشد به طالب که اگر بدون اجازه دولت پاکستان از طریق مسافرتها "یهودی سرگردان" تازه یعنی "امیرخان متقی" تعهداتی را با غرب قبول نمایند، دولت پاکستان با کارت جهادی ها ضم داعش و القاعده وارد میدان شده، روزگار طالب را به روزگار نوکران روس و امریکا و ربانی- مسعود مواجه خواهد ساخت.

گذشته از تمام اینها، این که غرب و شرق در قبال بدیل های شان چه عکس العملی نشان خواهند داد و چه ترسهایی از تحقق آن خواهند داشت، نکته دیگریست که می باید جداگانه به بحث گرفته شود.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!